

زنان و حصارکشی پارک‌های شهر

29 فروردین 1401

چندی پیش خبر آمد که شهرداری تهران درصدد جداسازی بخشی از پارک‌ها برای زنان به بهانه امنیت [زنان و مادران](#) و کودکان است! موضوع حتی از سوی هواداران این طرح به تجارب کشورهای غربی در این خصوص نیز وارد شد و روزنامه همشهری در گزارشی به برخی نمونه‌ها اشاره کرد!

اما داستان چیست؟ شاید در نظر اول این مساله که شهرداری نگران امنیت زنان و کودکان است به نظر جالب توجه بیاید اما با توجهی بیشتر به نظر می‌رسد ریشه‌های این مساله در نگرشی دیگر و رویکردی متفاوت از امنیت زنان تعریف شده است. اگر مساله امنیت و رفاه مادران و زنان و کودکان مساله اصلی این طرح است به نظر می‌رسد موضوع به نوعی وارونه تعریف شده است. فضاهای عمومی اعم از پارک‌ها و معابر و مکان‌های شهری جملگی محل حضور زنان و مادران و کودکان و پدران و مردان است لذا توجه به پارک‌ها کمی بحث‌برانگیز است.

تهران شهری با حدود 2000 پارک و بوستان محلی از کمبود فضای سبز به شدت در رنج است با اقدامات دوره پیشین مدیریت شهری برخی محلات که فاقد فضای سبز بودند با تملک برخی باغات که از محل عوارض قطع درخت در صندوق ویژه‌ای تدارک دیده شده بود، تامین شد اما همچنان شهر با مشکل فضای سبز روبه‌رو است. سیاست‌های پیشین در جهت ساخت برج باغات منجر به از میان رفتن بالغ بر 4000 هکتار باغ شد، اما با تدبیر شورای قبل و تصویب شورای عالی شهرسازی تلاش جدی برای ماندگاری باغات باقیمانده صورت گرفت، با این وجود هنوز تهران با کمبود روبه‌رو است. با این نگاه اختصاصی‌سازی بخشی از این معدود فضاهای سبز محلات به زنان و مادران و کودکان به بهانه امنیت و... به نظر نگرانی بیشتری بر شهر تحمیل می‌کند تا فرصت بهبود را! محلاتی با بوستان‌هایی در حد 1000 - 500 متر چگونه می‌توانند اختصاصی شوند و محله را از داشتن تنها مفر برای گردهمایی خانوادگی و بهره‌گیری از ظرفیت فضای سبز محلی محروم سازند؟!

در این خصوص شاید برجسته‌ترین آثار این اقدام را بتوان در نکات زیر طرح کرد:

جداسازی شهروندان در دستور کار هیچ سازمان شهری قابل دفاع نیست. شهر متشکل از زنان و مردان است و دانستن حقوق فردی و اجتماعی زنان و مردان و باورپذیری آن از سوی تصمیم‌گیرندگان و ساکنان شهر در قالب اقدام فرهنگی و حقوقی الزامی جدی است. / مادران و کودکان نیازمند [امنیت شهری](#) هستند و مدیران مربوطه مکلف به ایجاد این شرایط با تدوین قوانین و دستورالعمل‌های خاص برای بهره‌برداری از فضاهای عمومی هستند و این مهم به معنی جداسازی نیست، بلکه قانونگذاری در جهت تامین امنیت و آرایه خدمات به آنهاست، اتاق‌های مادر و کودک در پارک‌های بزرگ مقیاس شهری برای تامین نیاز آنها الزامی است! جدا کردن مادران و کودکان از فضاهای شهری منجر به نوعی شکاف در میان خانواده‌ها می‌شود. در شرایطی که به دلایل مختلف اجتماعی با روندی نگران‌کننده نسبت به استحکام خانواده‌ها روبه‌رو هستیم، آرایه چنین طرح‌هایی بیش از آنکه آثار مطلوب داشته باشد منجر به بروز نگرانی می‌شود. جداسازی والدین و انحصاربخشی از پارک‌ها به مادران و کودکان یعنی جدا کردن

اعضای خانواده! ناتوانی در تامین حقوق زنان در مدیریت شهری به معنی فاصله اندازی و محدودسازی آنها نیست! خارج کردن بخشی از پارک از دسترس عموم به بهانه‌های گوناگون نظیر ایجاد بخش مادر و کودک تصرف غیرمعارف فضای عمومی است! مدیریت شهری در جهت ایجاد فضاهایی از این دست باید نسبت به ساخت این نوع مکان‌ها مبادرت کند نه آنکه فضاهای موجود را دیوارکشی یا حصارکشی کند! تفکر حصارکشی به بهانه‌های مختلف پیش از این نیز در مورد دانشگاه‌ها در اوایل انقلاب مطرح شده بود که با مخالفت جدی امام راحل روبه‌رو شد. / نگاه جنسیتی به زنان در جامعه پیامدهای مثبتی ندارد، اجرای طرح‌های جداسازی خانوادها از لحاظ روانی زن‌ها و شوهرها را نیز از هم جدا می‌کند. از طرفی فضای تفریحات خانوادگی را نیز مخدوش می‌سازد. فراموش نکنیم که جامعه متشکل از زنان و مردان است و با این نگرش فضاهای عمومی متعلق به همگان است نه جنسیتی خاص! وجود فضاهای اختصاصی برای زنان الزامی جدی است، اما این به معنی حذف فضاهای موجود از زنان نیست. تجربه **پارک‌های بانوان** می‌تواند با همت شهرداری و مدیریت شهری گسترش پیدا کند تا دغدغه برخی مادران و زنان را برطرف سازد.

نکته جالب اینجاست که تهران با فضاهای عمومی متناسب روبه‌رو نیست و شهر نیازمند فضاهای موجود است و نباید شهروندان را از فضاهای موجود محروم کرد! تعبیه رویکردهایی مثل حصارکشی جنسیتی یا حتی حصارکشی فضایی پارک‌ها که در گذشته رواج داشته امروزه در برخی مناطق مشاهده می‌شود و این به معنی بازگشت به نوع نگرش اختصاصی‌سازی فضاست که در فضاهای شهری امروزه کارآمد نیست. به عنوان نمونه رویکرد حصارکشی در پارک پدر و امثال آن بخشی از همان رویکرد اختصاصی‌سازی است که شهر را با مشکل روبه‌رو می‌کند! در راستای نگرانی برای امنیت مادران و زنان شهر خوب است مدیریت شهری سند امنیت زنان در شهر را که در دوره قبل شورا توسط مدیریت شهری تدارک دیده شده و از آن رونمایی شد را اجرایی کند و نسبت به رفع فضاهای بی‌دفاع شهری و نورپردازی محلات اقدام عاجل انجام دهد! / به کارگیری شیوه‌هایی از این دست به معنی دشوار ساختن ارتباط شهروندان با فضاهای شهری است، بدون توجه به ریشه‌های بروز ناامنی برای زنان و کودکان و ناکارآمدسازی اقدامات مدیریت شهری در استفاده بهینه از فضاهای عمومی برای همه شهروندان است. / به نظر می‌رسد اگر مدیریت شهری نسبت به امر مناسب‌سازی برای تردد مادران و کودکان، سالمندان تلاش کند و اقدامات پیشین در این خصوص را در دستور کار قرار دهد، بهتر می‌تواند نسبت به امنیت شهروندان در فضاهای شهری همراهی کند. آسیب‌های فیزیکی و روحی ناشی از مناسب‌سازی فضاهای شهری امروزه از دغدغه‌های جدی همه است و کم‌توجهی به آن به‌رغم تلاش‌های دوره گذشته مدیریت شهری با سکون همراه شده است! در نهایت تجربه جداسازی‌ها منجر به ایجاد فاصله جدی میان شهروندان شده و نوعی خشونت پنهان را در جامعه رواج می‌دهد که در بلندمدت قابل جبران نیست، نیمی از جامعه که از این فضاها محروم می‌شوند همواره دارای نوعی خصومت درونی نسبت به گروهی دیگر که از این فضاها اختصاصی استفاده می‌کنند، می‌شوند که نگرانی آن در بخش‌هایی نظیر اتوبوس و مترو که از این شیوه استفاده شده تجربه شده است.

از این‌رو به مدیریت شهری توصیه می‌شود در توسعه فضاهای عمومی شهر عزم جدی داشته باشند و نسبت به ادامه تملک باغات در محلات مختلف تسریع کنند و در مناسب‌سازی، ایمن‌سازی و امن‌سازی فضاهای شهری برای زنان همت بگمارند.